

ملت لایق!

ملتی لیاقت حیات و شایستگی برابری با ملل زنده را دارد که مؤسسات علمی فراوان داشته باشد و دانشمندانش بی‌ریا و بدون نظر مالی منحصرأ در رشته خود کار کنند.

چون زندگانی امروز ما زندگانی اجتماعی است خواه ناخواه باید تمام دستگا‌ه‌های عمومی بموازات هم بخیر و صلاح اجتماع گردش داشته باشند، و چنانچه یکی از این دستگا‌ه‌ها از کار بیفتد یا خوب کار نکنند درست مثل اینست که یکی از چرخ‌های ساعتی را از کار بیندازند. امور زندگانی همه باهم مربوط است و پیشرفت ملت و قتی میسر است که دستگا‌ه‌های عمومی هر یک بنحو مطلوب گردش داشته باشد. اولیاء کشور ما این اصل مسلم را قبول نکرده مانع ترقی و پیشرفت حقیقی شده‌اند. بعقیده من منشاء کلیه بدبختی و محرومیت ما عدم توجه آنها بامور علمی کشور بوده است. چرا کشور ما در موقع بروز خطر از داشتن رجال کاردان محرومست، و چرا امروز بازار دانش در کشور ما رونق ندارد؟ علت آنست که در این کشور در طی نیم قرن اخیر بامور علمی توجهی نشده است. اگر بخواهیم خود را لایق حیات نشان دهیم باید از امروز شالوده مؤسسات علمی را پی ریزی کنیم زیرا ارزش ملل بمیزان فهم و شعور و عمل صحیح و نتیجه بخش آنهاست، دردنیای آینده هر عملی مبنای علمی نداشته باشد، نتیجه درخشان نخواهد داشت. اوراق تاریخ را ورق بنید تا یقین کنید که در هیچ عهده‌ای نهمه اختراعات و اکتشافات صورت نگرفته، صنایع و حرف بریایه‌های علمی استوار نبوده‌است. البته کشور ما (مقصود کشور فرانسه است - مترجم) در جنبش علمی اخیر سهم است و تا اندازه قابل ملاحظه‌ای پیشقدم کاروان علم محسوب میشود و وجود دانشمندانی چون کلو - بوفن - دبتن - لاکای - دالامبر - لاوازیه - لاپلاس - موئر - کارنو - دولامبر و جزانیها باعث افتخار همیشگی ماست اگرچه حوادث سالهای آخر قرن هجدهم متأسفانه بآن دوره درخشان خانمه داد معدلک ایجاد موزه تاریخ

طبیعی و تأسیس دارالفنون پاریس دوباره رونقی بی‌بازار علم بخشید زیرا بر طبق گفته کلود برنار فیزیولوژی‌دان بزرگمان . « برای پیشرفت علوم بدو طریق میتوان متوسل شد ۱ - بوسیله پیشرفت اکتشافات و افکار تازه . ۲ - بوسیله ازدیاد وسائل کار و ترویج و اشاعه دانش . البته برای توسعه امور علمی اختراعات ضرورت کامل دارد ولی این اختراعات مانند دانه‌هایی است که بخودی خود قابل رشد و نمو و ازدیاد نیست و باید با اشاعه علم آنها را چون دانه‌هایی که کاشته میشود قابل ازدیاد و تکثیر نمود ، اگر دانه را شما خود نکارید دیگران آنها را بر زمین خود خواهند برد و آنها را بشمر خواهند رساند ، مسائل علمی و اختراعات را نیز اگر تکمیل نکنند مانند دانه مورد دستبرد دیگران واقع خواهد شد و ثمره آنها را دیگران خواهند برد .

برای اشاعه دانش باید قواعد و اصول اولیه علوم و حتی تاریخچه پیدایش و اختراع آنها آموخته شود - اینکه میگویند علوم را بطور عمل باید یاد داد و از ذکر اصول اولیه باید خودداری کرد کلامی بسیار ناقص و بمقیده من خطرناک است علم عملی وجود ندارد ، البته موارد استعمال علوم فصلی است که از علوم منسحب میشود و بین آن و اصل علم رابطه‌ای ناگسستگی وجود دارد و حتی میتوان مورد استعمال . علوم را که در واقع صنعت است میوه درخت علم دانست .

آیا شما میتوانید صنعتی را بمن معرفی نمائید که پایه علمی نداشته باشد و خود بخود و از روی تصادف پیدا شده باشد ؟ اگر شما تصادف و اتفاق را در صنعت دخیل میدانید پس چرا برای انسان اولیه که برهنه و گرسنه بود و هر آن مورد حمله حیوانات واقع میشد تصادفی پیش نیامد . بسیاری از وقایع در هر روز اتفاق میافتد و تصادفات گوناگون پیش میآید ولی از آنها همه تصادف و اتفاق کسی استفاده نمیکند که در کمین آنها نشسته باشد و آنها را با موشکافی و حساب دقیق بررسی نماید ، این موشکافان و این عاشقان کشف اسرار همان ریاضی‌دانان و دانشمندان فیزیک و شیمی و علوم طبیعی هستند .

کوبه در این باره چنین میگوید « صنایع جدید و طرز انجام اکثر کارهای دستی خود بخود بوجود نیامده است ، دانشمندی که طالب یافتن حقیقتی بوده است رازی را دریافته است ، دیگران از دانش او برای امور زندگی استفاده کرده صنعتی بوجود

آورده اند شاید آن دانشمندان از آینده امری که بر آن وقوف یافته بی خبر بوده است. اومشاق کشف حقایق بوده نظری بآینده آن حقایق نداشته است - کارخانه های عظیم کشتی هایی که دل دریاها را می شکافند، مستعمراتی که هر روز آباد میشوند نتیجه اکتشافات و اختراعات دانشمندان است، مردم پس از آنکه فکر دانشمندان را گرفتند از آن نتیجه عملی میگیرند و در نگاهداری اصل امانت اهتمامی بعمل نمیآورند.

این است آنچه من با اولیاء امور می خواهم تذکر بدهم و آنرا بطور خلاصه میگویم که همانطور که موارد استعمال علوم یعنی صنایع و حرفه ها باید تعلیم داده شود باید بتعلیم اصول اولیه علوم نیز که هست، مرکزی تمام صنایع است کمال توجه را نمود. و این فکر غلط را که « علوم بطریق عملی آموخته شوند » نباید قبول کرد زیرا در آن صورت برای پرورش دانشمندان و بوجود آوردن دگان نظریه های جدید اقدامی بعمل نیامده است. کشور آلمان باین اصل مسلم توجه کامل دارد و بعوض آنکه وقت خود را صرف مبارزه های سیاسی بی نتیجه بکنند در اجاع بنوع حکومت بمباحثه های گیج کننده و بی اساس پیرا زد باشاء دانش و تهیه و بسط دستگاه های علمی کمر بسته است زیرا که ملت بخوبی پی برده است که: بزرگی، سیاست، آبرو و شرف، حیثیت و افتخار، پیشرفت های صنعتی و فکری فقط در سایه دانش و بسط و توسعه دستگاه های علمی بدست می آیند و بس. کمی باوضاع کشور خودمان برگردیم تا معلوم شود که پیشرفت ملیون در انقلاب کبیر فقط در اثر همکاری مخترعین و دانشمندان با ملت بود، البته نه صد هزار نفر سرباز فداکار در اختیار کنوانسیون بود ولی از مهمات جنگی خبری نبود و در قورخانه ها هیچ نوع اسلحه، و از همه بالاتر باروت وجود نداشت زیرا مدتها بود که آنرا از سالپتری که از هند وارد میکردند میساختند (از سالپتر باروت میسازند. مترجم). برای تهیه توپ مس لازم بود زیرا توپ را از آلیاژی (مخلوطی از فلزات. مترجم) میساختند که نود و یک درصد آن مس بود و این مس را کشور ما از سوئد، انگلیس، روسیه و هند وارد میکرد. فولاد نداشتیم و خود ما نمیتوانستیم آنرا در داخل کشور تهیه کنیم. در چنین وضعی بود که اولیاء کشور برای بشمر رساندن مبارزات ملت از دانشمندان دعوت کردند و مسئله تهیه باروت و دیگر مواد جنگی را در میان گذاشتند و با کمال دلسردی و یأس

حل آنرا خواستار شدند. درچنین محیط نا امیدى بود که موثر از جا برخاست و گفت « بگذارید دیگران درهایشان را بروى ما ببندند مادر خاک کشور خودمان سالیتر فراوان داریم از آن باروت خواهیم ساخت و تا سه روز دیگر در اختیار ملیون خواهیم گذاشت» و همینطور هم عمل شد. بعد برای ساختن وسایل دیگر طرق ساده‌ای توسط دانشمندان آموخته شد. مثلاً از زنگ کلیساها که آلیاژ مس و قلع است مس گرفته و بکارخانه‌های نوپ سازی داده شد، ندای وطن و احتیاج ملت آنچنان حرارتی در دانشمندان ایجاد کرد که تمام احتیاجات لشکری رفع شد و حتی فولادسازی که تا آن زمان قواعدش بر ما مجهول بود معمول گردید. بالن ساخته شد و تلگرافهای هوایی در جنگ مورد استفاده واقع گردید.

نتیجه این کوشش خستگی ناپذیر دانشمندان، همان پیروزی درخشان ملیون بود. وجود چند دانشمند بود که ملتی را از شکست و اضمحلال نجات داد.



ای وطن توروزی مشعلدار علم و فرهنگ بوده‌ای، و سراسر گیتی را بفروغ خود منور ساخته‌ای! در مواقع خطر دانشمندان بندای تو پاسخ داده‌اند و از تو الهام گرفته‌اند و آسان که حق تست بتو خدمت کرده‌اند، بشریت از نور اختراعات و اکتشافات تو بسر منزل مقصود رسیده و از آسایش بهره مند شده است، حیف است که در آینده چنین انوار تابناکی صحنه روزگار را روشن نسازد و بشریت در گرداب جهل و نادانی سرگردان بماند. ترجمه دکتر سید اسدالله مصطفوی



کمال خجندی

پیراهنت!

دیده‌ای داریم بر روی تو پاک یا کتر از دیده ما دامت
آستین گر ساعدت پوشد زما خون ما در گردن پیراهنت